

## رعایت حقوق شهروندی در مرحله کشف جرم توسط نیروهای پلیس در جمهوری اسلامی ایران

محمدسعید شفیعی

دانشجوی کارشناسی ارشد جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد

Email: [mohammadsaiedshafiei@gmail.com](mailto:mohammadsaiedshafiei@gmail.com)

دکتر کریم صالحی

عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد

Email: [dadvarz@gmail.com](mailto:dadvarz@gmail.com)

### چکیده

جایگاه حقوق شهروندی چه در قوانین داخلی و چه مقررات بین‌المللی اساساً یکی از حقوق مقدس انسانی، طبیعی و ذاتی و جزء جدا نشدنی حیات بشری است. امنیت قضایی که مبین مصونیت جان، ناموس، آزادی، حیثیت، آبرو و اموال شهروندان است بعنوان یکی از زیرساخت‌های اساسی رعایت حقوق شهروندی ایجاد می‌کند که مقنن به تدوین قوانین حمایتی از شهروندان مبادرت کند و از طرف دیگر هیأت حاکمه نظارت کند بر اجرای صحیح این قوانین. زیرا رعایت حقوق شهروندان از شخصی‌ترین نشانه‌های مشروعیت هیأت حاکمه است. پلیس به عنوان بازوی اجرایی هیأت حاکمه در اجرای قوانین و مقررات و برقراری نظم و امنیت در جامعه شناخته می‌شود و با برخورداری از یک سازمان منسجم، سلاح و امکانات و تجهیزات لازم از پشتیبانی هیأت حاکمه برخوردار است. با این حال، در صورت عدم کنترل عملکرد آن‌ها توسط هیأت حاکمه بیشترین نقض حقوق شهروندی در آن اتفاق می‌افتد. در مرحله تعقیب و جستجوی متهم، کشف جرم، انتقال متهم به مراجع قضایی و... پلیس باید تمامی قوانین حقوق شهروندی را که لازمه ایجاد شهری امن است، ایجاد نماید. در این مقاله به بررسی حقوق شهروندی در مرحله کشف جرم پرداخته و حقوق متهم و شهود را مورد تحلیل و بررسی قرار خواهیم داد.

واژگان کلیدی: پلیس، حقوق شهروندی، کشف جرم، امنیت، متهم، مجرم

## مقدمه

از آنجا که تمامی حقوق و قوانین جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر حفظ جایگاه و کرامت انسانی بنا نهاده شده است و حقوق تمامی افراد در آن رعایت می‌گردد، در فصل حقوق ملت در قانون اساسی حقوق شهروندان بطور مبسوط بیان گردیده است. اما هنوز خلاءهایی وجود دارد. یکی از این خلاءها، رعایت حقوق شهروندی توسط نیروهای پلیس برای پلیس در جامعه که مسئولیت حفظ نظم و امنیت را بر عهده دارد که باید بگونه‌ای تدوین گردیده و آموزش داده شود که علاوه بر جنبه پیشگیرانه، بازدارنده نیز باشد. لذا وظیفه هیأت حاکمه در انجام تعهدات خود نسبت به احترام و رعایت حقوق شهروندان بر طبق منشور ملل متحد و دیگر اسناد مربوط به حقوق بشر مورد تأکید است. به نحوی که حقوق بشر و آزادی‌های اساسی حق ذاتی همه انسان‌ها و حمایت و ارتقای آن اولین مسئولیت دولت‌ها محسوب و اجرای آن توسط پلیس که بازوان اجرایی هیأت حاکمه است در رأس همه امور قرارگیرد. قانونگذاران مقررات حقوق بشر را در قانون داخلی گنجانده و بر اساس آن مقررات و قوانین داخلی را تدوین و عملکرد و اقدامات پلیس را در جامعه با توجه به قوانین و مقررات حقوق بشر کنترل و مشخص نموده‌اند. برای پلیس در مقام ضابطیت مفاهیم حقوق شهروندی چون حقوق متهم، شهود، شاک، مظنون چه قبل از دستگیری و چه بعد از دستگیری و چه زمان اجرای حکم، مشخص و موارد و شرایط قانونی برای رسیدگی عادلانه و منصفانه به شکایت شاک و یا اتهام متهم در پلیس فراهم شود. وظائف پیش‌گیرانه پلیس با توجه به قوانین و مقررات حقوق شهروندان تعیین و اقدام پلیس برای تأمین امنیت، احساس ناامنی برای مردم به ارمغان نیآورد. اقدام پلیس برای کشف جرم موجب تعرض به خلوت و حریم خصوصی شهروندان نشود و اموال، جان، حیثیت، مال، آزادی و کسب و کار و شهرت و ناموس شهروندان در عملکرد پلیس درامان باشد. در این مقاله به بحث و بررسی پیرامون رعایت حقوق شهروندی در مرحله کشف جرم پرداخته‌ایم و شاخص‌های مربوطه را به تفصیل مورد نقد و بررسی قرار داده‌ایم.

## 1- حقوق شهروندی در مرحله کشف جرم

### 1-1- حقوق شاک یا بزه دیده

#### 1-1-1- مفهوم شاک یا بزه دیده

پرداختن به حقوق شاک در قلمرو حقوق شهروندی مستلزم شناخت دقیق او و جایگاه وی در فرآیند دادرسی کیفری است. برای بررسی این موضوع ابتدا مفهوم شاک را بررسی کرده و نقش ضابطان را در زمینه حقوق بزه دیده بیان می‌کنیم: از نظر بعضی نویسندگان مجنی‌علیه کسی که جرم به ضرر او واقع شده است (جعفری لنگرودی، 1374) و از نظر دکتر معین بزه دیده کسی است که علیه او گناه و خطا و تقصیر رخ داده باشد (معین، 1377) و اما بزه دیده از نظر اصطلاحی به کسی که از وقوع جرمی متحمل ضرر و زیان شود نام برده شده. مجنی‌علیه و قربانی نیز همان مفهوم را دارد (آخوندی، 1382). به موجب ماده 9 ق. آ. د. ع و انقلاب شخصی که از وقوع جرمی متحمل ضرر و زیان شده یا حقی از قبیل قصاص و قذف پیدا کرده و آن را مطالبه می‌کند مدعی خصوصی یا شاک نام دارد. و اگر بر شکایت خود و دادخواست مطالبه ضرر و زیان نیز تقدیم کند مدعی خصوصی نامیده می‌شود.

### 1-1-2- حقوق شاک یا بزه دیده در فرآیند کیفری نزد پلیس

#### الف) حق دادخواهی

حق دادخواهی به این معناست که شخص بتواند به منظور احقاق حق خود به دادگاه صلاحیت داری که قانون معین می‌کند مراجعه و تقاضای رسیدگی کند و این دادگاه به روی همه افراد بدون هیچ تبعیضی باز بوده و آئین دادرسی و تشریفات آن پیچیده و پر هزینه برای ارباب رجوع نباشد. حدود این حق را قانون معین می‌کند. دعاوی واهی و فاقد دلیل قابل رسیدگی نمی‌باشد (طباطبایی مؤتمنی، 1382).

در قوانین داخلی ایران حق دادخواهی و اقامه دعوی توسط شاکی به عنوان یکی از حقوق شهروندی او مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. به طوری که در قانون اساسی ایران که بالاترین قانون کشور است یکی از اصول این قانون به مقوله دادخواهی اختصاص داده شده است. اصل 34 قانون اساسی بیان می‌دارد «حق دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترسی داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.»

قانون‌گذار در این اصل برای حق دادخواهی شاکی (بزه دیده) به چند نکته اشاره نموده است.

- 1) دادخواهی حق مسلم هر فرد است.
  - 2) دسترسی مناسب و سریع به محاکم صالح فراهم باشد تا حقوق شهروندی شاکی مورد حمایت قرار گیرد.
  - 3) عدم منع شاکی و بزه دیده از مراجعه به دادگاه صالح برای رسیدگی به جرم واقع شده.
- در ماده 10 اعلامیه جهانی حقوق بشر که در دهم دسامبر 1948 میلادی به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز رسیده بیان داشته هر کس با مساوات کامل حق دارد که دعویش به وسیله دادگاه مستقل و بی‌طرفی، منصفانه و علنی رسیدگی بشود و چنین دادگاهی درباره حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزایی که به او توجه پیدا کرده باشد اتخاذ تصمیم بنماید (بیرانوند، 1388).

و همچنین در ماده 14 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب شانزدهم دسامبر 1966 میلادی مجمع عمومی سازمان ملل متحد اردیبهشت ماه 1354 به تصویب مجلس ملی ایران نیز رسیده بیان داشته «همه در مقابل دادگاه‌ها و دیوان‌های دادگستری متساوی هستند. هر کس حق دارد به اینکه به دادخواهی او منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح مستقل و بی‌طرف تشکیل شده طبق قانون رسیدگی شود و آن دادگاه درباره حقانیت اتهامات جزایی علیه او یا اختلافات راجع به حقوق و الزامات او در امور مدنی اتخاذ تصمیم بنماید...» (بیرانوند، 1388).

در ماده 95 ق. آ. د. د. ع و انقلاب شکایت شاکی یکی از جهات قانونی برای شروع به تحقیقات و رسیدگی است و برابر ماده 68 همان قانون شکایت برای شروع به رسیدگی کافی است و قاضی نمی‌تواند از انجام آن خودداری نماید.

شکایت عبارتست از اظهار و اعلام شخصی که در اثر عمل مجرمانه متضرر از جرم محسوب و با مراجعه به مراجع قضایی یا مراکز انتظامی تعقیب موضوع به منظور جبران ضرر و زیان وارده و مجازات مرتکب را می‌نماید (قاسم‌پور، 1384).

شکایت هم می‌تواند به صورت کتبی و هم به صورت شفاهی مطرح شود. ارزش و اعتبار آن‌ها از لحاظ قانونی هم یکسان است (آخوندی، 1372).

از جمله ضمانت اجرای حقوق شهروندی می‌توان به ماده 57 قانون مجازات اسلامی اشاره نمود برابر این ماده هر یک از مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های دولتی که بر خلاف قانون آزادی شخصی افراد ملت را سلب کنند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نمایند علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دوماه تا سه سال محکوم خواهد شد. با توجه به این که یکی از حقوق مقرر در قانون اساسی وفق اصل 34 این قانون حق دادخواهی است. بنابراین همه مقامات و مأموران دولتی از جمله ضابطان عام دادگستری موظفانند به این حق توجه داشته واز آن حمایت نمایند. در غیر اینصورت به مجازات فوق‌الذکر محکوم خواهند شد.

بر اساس ماده 71 قانون مجازات اسلامی قضات ذی‌ربط و ضابطین دادگستری موظفند شکایت کتبی یا شفاهی را همه وقت قبول نمایند. شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و انطباق شکایت شفاهی با مندرجات صورت مجلس تصدیق می‌شود. همچنین تبصره 2 ماده 69 این قانون نیز بیان داشته چنانچه عرض حال ناقص یا شفاهی باشد مراتب در صورت جلسه تنظیمی توسط دفتر دادگاه منعکس و به امضاء یا اثر انگشت شاکی می‌رسد. با توجه به موارد ذکر شده حق شاکی است که ضابطان در همه موارد به شکایت شاکی توجه کرده و شکایت وی را تحت هر شرایط اخذ و رسیدگی نمایند.

نکته قابل توجهی که در این بحث وجود دارد توجه ضابطین در حق دادخواهی صغیر، مجنون و محجور و افرادی است که دارای نقیصه جسمانی و عقلانی هستند. چنانچه هر یک از این افراد تحت هر شرایط مطالبی را بیان یا رفتاری را انجام که

نشان ظلم و اجحاف در حق آنان بوده و برداشت دادخواهی از آن شود ضابطین مکلف به رسیدگی به موضوع و اعلام به مرجع قضایی هستند.

### ب) حق حمایت و توجه

فردی که در اثر وقوع بزه متضرر گردیده است و زیر فشار روانی ناشی از وقوع بزه است، باید شرایطی برای وی فراهم شود که بتواند در کمال آرامش و جدای از هر گونه تهدیدی به حق خود مبنی بر جبران خسارت برسد. بارزترین مصداق حمایت و توجه قانونگذار به بزه دیده تأمین امنیت بزه دیده است و حمایت از وی در مقابل تهدیدات بزهکاران است. تمایل بزهکاران به تهدید بزه دیدگان و شهود به منظور منصرف نمودن آن‌ها از گزارش جرم به پلیس و ادای شهادت نظام کیفری را با معضل جدی مواجه نموده است. این پدیده به ویژه در برخی جرائم مانند جرایم سازمان یافته و بانندی و نسبت به برخی بزه دیدگان و شهود اثرات منفی بی‌شماری بر بزه دیدگان تهدید شده و نهادهای عدالت کیفری و عموم جامعه بر جای می‌گذارد. که بایستی مورد توجه متولیان نظام سیاست جنایی قرار بگیرد. تهدید بزه دیدگان و شهود موضوع تازه‌ای نیست ولی حمایت از ایشان در قبال این معنی امری است که تنها در دو دهه اخیر در سطح فراملی و ملی به ویژه در غرب مورد توجه قرار گرفته است. نظام‌های مختلف سیاست جنایی بویژه در ابعاد تقنینی و قضایی با آگاهی به گستره و شیوع این پدیده و اختلالی که از قبل این پدیده متوجه نظام کیفری می‌کند چاره‌اندیشی و پیش‌بینی تدابیر در زمینه پیشگیری از وقوع آن و حمایت از بزه دیدگان و شهود در معرض تهدید پرداخته‌اند (میرزایی، 1386).

برای حمایت از بزه دیدگان در قانون ایران ماده خاصی پیش بینی نشده است ولی ماده 669 قانون مجازات اسلامی بیان شده «هر کس دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرقی یا مالی یا به افشای سری نسبت به خود یا بستگان او نماید اعم از اینکه به بواسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد به مجازات شلاق تا 74 ضربه با زندان از 2 ماه تا 2 سال محکوم خواهد شد.» و همچنین در ماده 14 قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب 1339 بیان شده از هر گاه شخصی که دیگری را تهدید به ارتکاب جرم کرده بیم آن می‌رود که واقعاً مرتکب آن جرم گردد و یا هر گاه شخصی که محکوم به مجازات جنایی یا جنحه گردیده یا صریحاً نظرش را بر تکرار جرم اظهار نمایندادگاه بنا بر تقاضای شخص تهدید شده یا متضرر از جرم می‌تواند از او بخواهد تعهد کند مرتکب جرم نگردد. و وجه الضمان مناسب برای این امر بدهد. هر گاه مشارالیه از این تعهد خودداری کرد یا وجه الضمان مقرر را نسیپارد دادگاه می‌تواند دستور توقیف وی را صادر نماید و مدت این توقیف بیش از دو ماه نخواهد بود. اگر متعهد ظرف دو سال از تاریخی که وجه الضمان سپرده مرتکب جرم گردد وجه الضمان به نفع دولت ضبط می‌گردد و الا به قائم مقام او مسترد خواهد گشت.

ضمانت مقرر در این ماده که با عنوان ضمانت احتیاطی از آن یاد می‌شود از اقدامات عینی و مالی است که می‌تواند در پیشگیری از تهدید به طور عام و تهدید بزه دیدگان و شهود به طور خاص مؤثر واقع شود (میرزایی، 1386).

حق آزادی و امنیت افراد در بند 1 ماده 9 میثاق بین‌الملل حقوق مدنی و سیاسی و ماده 3 و ماده 22 اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند 1 ماده 18 اعلامیه اسلامی حقوق بشر اسلامی (قاهره) نیز مورد توجه قرار گرفته است (میثاق بین‌الملل حقوق مدنی و سیاسی، 1966). با توجه به موارد ذکر شده در خصوص حمایت از بزه دیده و شهود می‌توان گفت:

- 1- تدبیر نیروی انتظامی و قوه قضائیه به گونه‌ای باشد تا آنجا که ممکن است از رویارویی متهم با شاکی جلوگیری شود و در صورت رویارویی از آسیب‌های احتمالی به شاکی جلوگیری کرد.
- 2- از فاش شدن اطلاعات شخصی شاکی اعم از آدرس و تلفن... جلوگیری شود و تلاش شود تهدیدات و اقدامات تلافی جویانه متهم علیه شاکی با ضمانت اجراهای کیفری به پائین‌ترین سطوح برسد.
- 3- تدابیر لازم از سوی ضابطین به منظور جلوگیری از بروز ایراد خسارت یا صدمه به شاکی در قبل از جلسه دادگاه و حین تحقیقات و پس از اجرای حکم به عمل آید.

4- در صورت نیاز شاکی تا زمان صدور حکم تحت مراقبت و حفاظت ضابطین قرار گیرد.

### ج) حق معرفی شهود و اطلاع از زمان معاینات محلی و کارشناسی

در ماده 73 ق.آ.د.د.ع و انقلاب در امور کیفری بیان داشته شاکی حق دارد هنگام تحقیقات شهود خود را معرفی و دلایل خود را اظهار نماید و نیز از صورت جلسه تحقیقات مقدماتی که منافی با محرمانه بودن تحقیقات نباشد پس از پرداخت هزینه رونوشت بگیرد.

اقدامات ضابطین با توجه به این ماده در جرائم مشهود به محض معرفی شهود توسط شاکی احراز هويت و انجام تحقیقات پیرامون شکایت شاکی است و در جرائم غیر مشهود حین شکایت شاکی به همراه اسامی شهود را به مرجع قضایی اعلام و پس از آن برابر دستور مقام قضایی از شاکی و شهود تحقیقات لازم را انجام می‌دهد.

حق اطلاع شاکی از زمان معاینه محل و کارشناسی در ماده 78 ق.آ.د.د.ع و انقلاب پیش‌بینی شده است. «معاینه محل توسط دادگاه یا قاضی تحقیق و یا به دستور آنان توسط ضابطین دادگستری یا اهل خبر مورد وثوق قاضی انجام می‌شود. هنگام معاینه محل اشخاصی که در امر جزایی شرکت دارند می‌توانند حاضر شوند. لکن عدم حضور آنان مانع انجام معاینه نخواهد بود.»

هرچند در این ماده حضور شاکی در معاینه محل را اختیاری و عدم حضور را مانع اجرای معاینه محل ندانسته است ولی به نظر این ماده با اصول دادرسی مطابقت ندارد و عملاً موجب اطاله دادرسی می‌شود. زیرا چنانچه شاکی یا طرفین دعوی در معاینه حاضر نبوده و نتوانند اظهارات خود را بیان و یا در کارشناسی واقعه جرم را تشریح نمایند. در صورت معاینه یا کارشناسی به راحتی این نظر قابلیت اعتراض را دارد لذا بهتر بود این ماده حضور طرفین دعوی را الزامی و نظریات مطرح شده را قطعی و غیر قابل اعتراض می‌دانست و در هر صورت عدم حضور شاکی در معاینه محل نقض حقوق شهروندی است لذا ضابطین باید در معاینات محل هم از شاکی و هم سایر افراد ذینفع در پرونده دعوت کرده تا در جلسه حضور داشته و در حضور افراد هم از نظرات آنان بهره ببرد و از اعتراض احتمالی جلوگیری و هم زمینه ساز احقاق حقوق شهروندی باشد.

### 1-2-2- حقوق شهروندی شهود در فرآیند کیفری

شهود یکی از ارکان موفقیت در تحقیقات قضایی به شمار می‌روند؛ زیرا در بسیاری از موارد کشف حقیقت و صدور حکم عادلانه بدون معاضدت کسانی که خود در صحنه وقوع جرم حضور داشته و چگونگی ارتکاب آن را ملاحظه کرده و یا مطلبی را شنیده‌اند. میسر نمی‌باشد؛ به همین دلیل از شهود به چشم و گوش دستگاه عدالت کیفری تعبیر شده است (آشوری، 1385). در رسیدگی به جرایم به ویژه در مورد جرایم سازمان یافته و تروریستی گسترده که عموم افراد جامعه را تهدید می‌نماید ضروری است تا شهود به نظام عدالت کیفری اعتماد کامل داشته باشند. باید به شاهد این اطمینان خاطر داده شود که در مقابل تهدیدات و صدمات اجتماعی وارده از ناحیه اعضای گروه بزهکار، حمایت و پشتیبانی خواهد شد. در نتیجه‌ی این حمایت‌ها نه تنها میل و رغبت شاهد برای همکاری با دستگاه‌های پلیسی - قضایی تقویت می‌شود بلکه در پس اثبات بسیاری از این جرایم به حفظ حاکمیت قانون در جامعه نیز کمک بسیاری می‌شود (رئوفیان نائینی، 1388).

### 1-2-1- حمایت از شهود در قانون داخلی

در اصل 38 قانون اساسی هر گونه شکنجه برای اخذ شهادت ممنوع و این شهادت را فاقد ارزش و اعتبار دانسته است و احضار شهود را صرفاً به دستور قاضی در ماده 49 ق.آ.د.د.ع و انقلاب در امور کیفری پیش‌بینی شده است در ماده 161 همان قانون به حضور قاضی در محل زندگی و کار شهود تحت شرایطی اشاره و هزینه‌های احضار شهود در ماده 160 همان قانون از عهده شهود خارج شده است.

### 1-2-2-2- حمایت از شهود در اسناد بین المللی

حمایت از شهود اولین بار در دهه 1970 میلادی در ایالات متحده آمریکا مطرح و در قانون کنترل جرایم سازمان یافته مورد توجه قرار گرفت پس از آن در کشورهای فرانسه، انگلستان و آلمان قوانینی در حمایت از شهود به تصویب رسید (آشوری، 1385). در اساسنامهی دادگاه بین المللی یوگسلاوی سابق در سال 1993 میلادی و دادگاه بین المللی روندا در سال 1994 موادی در حمایت از شهود و قربانیان آمده.

در بند 5 مادهی 68 اساسنامهی دیوان کیفری بین المللی مقرر می دارد در جایی که ممکن است افشای ادله و اطلاعات به موجب اساسنامه منجر به در مخاطره افتادن امنیت شاهد و خانواده وی به صورت جدی شود، دادستان می تواند چنین ادله و اطلاعاتی را پنهان داشته و در عوض خلاصه ای از آن ها را ارائه دهد.

پنهان داشتن این عناصر تنها در صورتی امکان پذیر است که با مقصود هدایت رسیدگی های پیش از آغاز محاکمه باشد. صدور احضاریه صریحاً به موجب مادهی 54 آئین دادرسی و ادله (دیوان کیفری بین المللی) پیش بینی شده و دادگاه در بسیاری از موارد برای کمک به طرفین در احضار شهود به آن متوسل می شود (زاپالا، 1387). همچنین در ماده 54 همان قانون از امان نامه برای شهودی که در کشور مقصد شهادت می دهد صادر و شاهد از تعقیب یا محدودیت راجع به آزادی شخصی خود در کشور مقصد برای اعمالی که قبل از عزیمت مرتکب شده مصونیت دارد.

### 1-2-2-3- حقوق شهروندی برای شهود

قبل از اینکه شهود را به دادگاه معرفی کنیم می بایست از نظر ذهنی و کاهش اضطراب ناشی از شهادت وی را آماده کنیم. برای آماده کردن ذهنی شاهد جهت حضور در دادگاه دو روش متصور است. نخست آن که مقامات دادگستری و یا نمایندگان دادستان پیش از حضور شاهد در دادگاه جلسات منظمی با وی برگزار نمایند. این امر برای کاهش فشار روی شاهد است. شیوه دیگر تعیین وکیل معاضدتی برای شاهد است. جهت آشنایی بیشتر وی با حقوق و تکالیف خود در هنگام حضور در مراجع قضایی است. این موضوعی است که در نظام حقوقی ایران بسیار غریب جلوه می نماید (آشوری، 1379).

حتی می توان با توجه به شدت و نوع جرایم فشار و استرس روانی حاکم بر شاهد نظر بر ورود پشتیبان روان شناس در جلسه دادگاه داشت یا به گونه ای که وی در هنگام ادای شهادت کمی عقب تر از شاهد نشسته و در صورتی که شاهد در شرایط روحی نامناسبی قرار گیرد از رئیس دادگاه درخواست تجدید جلسه یا تنفس موقت نماید (دفتر مقابله با مواد مخدر و جرایم سازمان یافته ملل متحد، 1388).

از دیگر اقداماتی که می توان در حمایت از شهود انجام داد «سری بودن تحقیق و عدم افشای هویت وی است» (والین، 1385). عدم افشای هویت شاهد جلوگیری می کند از انتقام های احتمالی بزه کاران علیه شهود.

ضابطین دادگستری وظیفه دارند در صورت لزوم مراقبت از شهود قبل از جلسه دادرسی و بدرقه شهود تا جلسه دادگاه و خروج وی از دادگاه را بر عهده بگیرند. استفاده از اسامی مستعار در شهادت نامه، ادای شهادت بدون ذکر نام، ادای شهادت از پشت پرده یا محفظ در جلسه دادگاه به صورتی که چهره شاهد توسط متهمان قابل شناسایی نباشد. ادای شهادت از طریق تلویزیون مدار بسته ویدئو کنفرانس نیز از جمله اقداماتی است که می توان در جهت مخفی ماندن هویت شاهد انجام داد. افزون بر این در خصوص شهودی که از طریق ویدئو کنفرانس به ادای شهادت می پردازد می توان به استفاده از تجهیزات الکترونیکی از فنون تغییر چهره یا تغییر صدا استفاده نمود. در هر صورت باید توجه داشت که در مواردی که متهم شاهد را می شناسد استفاده از وسائل مذکور ارزش چندانی نخواهد داشت. زیرا متهم قادر است با توجه به محتوای شهادت نامه شاهد را شناسایی کرده و آن را در اختیار گروه خود قرار دهد (دفتر مقابله با مواد مخدر و جرایم سازمان یافته ملل متحد، 1388).

همواره این امکان وجود دارد که شاهد در معرض تهدیدات شفاهی، ارعاب، حمله به قصد آزار بدنی، تخریب اموال شخصی و سایر خطرات جسمی و روانی قرار گیرد. برای تأمین امنیت شاهد دستگاه‌های پلیس با نظارت مقامات قضایی برخی اقدامات فیزیکی را انجام می‌دهند. از جمله این اقدامات با توجه به اهمیت جرم گشت‌های منظم پلیسی، پیرامون منزل شهود، گشت‌های پنهان و غیر محسوس با لباس مبدل، و یا گماردن مراقب در منزل شهود است. البته مراقبت‌های پلیس باید به گونه‌ای باشد خود موجب ایجاد حس کنجکاوی و نمایان کردن بیش از حد شهود نشود.

تغییر محل سکونت شاهد به صورت دائم یا موقت و به صورت اسکان در منزل یکی از خویشاوندان، اسکان در نزدیکی مراکز پلیس و یا اسکان در منزل جدید و در شهر دیگر به گونه‌ای که نیروهای پلیس به راحتی با وی در تماس باشند می‌تواند شاهد را تا حدودی از تعرضات مصون بدارد (رئوفیان نائینی، 1389).

در راستای حفظ امنیت شاهد همواره این امکان وجود دارد که آن‌ها و متصدی از حمایت از همکاران با دستگاه عدالت کیفری به تغییر شغل شاهد و تعیین شغلی جدید برای وی معتقد باشد تا از این طریق گروه مجرمانه نتواند به ردیابی فرد حتی از طریق کوچک‌ترین نشانه و سرخ‌ها بپردازد. در رویه بسیاری از کشورها برای عملی شدن این امر به طور معمول شغل پایین‌تری در اختیار فرد قرار داده شده و ضرر و زیان ناشی از تغییر شغل توسط نهاد زیر نظر دادستان جبران می‌گردد. موارد دیگری چون تغییر هویت و انتخاب هویت جدید در موارد لزوم برای امنیت شاهد در بعضی کشورها در نظر گرفته می‌شود. البته توجه بیش از حد به شهود دلیل بر توجه اتهام به متهم یا حالت خطرناک وی نیست و برای متهم اصل برائت حاکم است ولی اگر اوضاع واحوال و قرائن در تهدید شهود وجود داشت این اقدامات باید انجام شود. لذا نمی‌توان اقدامات تأمینی شهود را نیز دلیل صحت اظهارات وی دانست لذا باید «برای استناد به شهادت شاهد تحت حمایت باید اظهارات وی با سایر قرائن، دلایل و امارات مطابقت داشته باشد (دفتر مقابله با مواد مخدر و جرایم سازمان یافته ملل متحد، 1388).

در جایی که نیاز است شاهد با مخفی شدن هویت شهادت دهد باید «به طور معمول فرصت کافی به متهم یا وکیل وی اعطا شود تا موثق بودن اظهارات را بررسی و پذیرش آن توسط دادگاه را مورد چالش قرار دهد. همچنین د رمواردی که در راستای عدم شناسایی هویت شاهد چنانچه حایل فیزیکی بین شاکی و متهم است این مانع باید به نحوی تعبیه شود که هیأت رسیدگی کننده بتواند به راحتی حالات چهره و عکس‌العمل شاهد را رؤیت و بررسی کنند (میرمحمدصادقی، 1386). در همه این موارد پلیس به عنون ضابط می‌تواند یا در کنار دستگاه عدالت کیفری و یا تحت امر مقامات قضایی در کنار شهود قرار گیرد که رعایت حقوق شهروندی شهود یکی از موارد اساسی در انجام وظائف پلیس است.»

### 1-3- حقوق مظنون در اقدامات پلیس

مظنون به معنای لغوی یعنی گمان کرده شده یا کسی که مورد بدگمانی قرار گرفته، نا معلوم، نا محقق (معین، 1382) یعنی کسی که اتهام وی به اثبات نرسیده لذا باید دلیل و مدارک کافی برای احضار وی وجود داشته باشد. در قانون اکثراً برای حمایت از متهم قوانینی وجود دارد ولی برای حمایت از مظنون مقررات خاصی وجود ندارد مظنون اصولاً در مرحله کشف جرم مورد بررسی قرار می‌گیرد. پس باید ابتدا کشف جرم را بررسی و سپس موقعیت مظنون را در این مرحله تبیین کرد.

کشف جرم اولین و مهمترین مرحله فرآیند پنج مرحله‌ای دادرسی کیفری است<sup>1</sup>. تا جرمی کشف نشود چرخه دادرسی کیفری به حرکت در نخواهد آمد و مجرم مجازات نخواهد شد. عدم کشف جرم و در نتیجه عدم مجازات مرتکب بر تجری او و دیگران می‌افزاید که این امر افزایش چشمگیر تعداد جرایم و نارضایتی جامعه از عملکرد دستگاه‌های حکومتی را در پی خواهد داشت (موسوی مقدم، 1385).

در قانون آئین دادرسی کیفری تعریفی از کشف جرم بیان نشده ولی در ماده 65 همان قانون جهات قانونی برای شروع به تحقیقات و رسیدگی را بیان کرده است که شاید اطلاع از وقوع جرم از سوی شاکی یا بزه دیده را کشف جرم بدانیم و یا زمانی

<sup>1</sup> کشف جرم، تعقیب، تحقیق، رسیدگی و صدور حکم و اجرای حکم.

که وقوع جرمی به هر طریق گزارش شود و یا اینکه متهم خود با حضور نزد ضابطان اقرار به ارتکاب جرم کند و از طرف دیگر زمانی که جرم مشهود باشد و ضابطان با استفاده به شرایط جرم مشهود موضوع ماده 21 ق.آ.د. ع انقلاب در امور کیفری جرم را کشف شده بدانند.

همه این موارد در مرحله وقوع جرم است لذا کشف آن نیاز به بررسی بیشتر دارد. برای کشف جرم باید مجرم، متهم، اسباب و آلات جرم و خسارات مادی و معنوی آن نیز مشخص شود لذا پلیس در اولین اقدام خود پس از اینکه از وقوع جرم مطلع شد به دنبال مجرم است پس تا جرمی واقع نشود نمی‌توان به دنبال مظنون به ارتکاب جرم گشت. در اینکه چه کسی مظنون به ارتکاب جرم است و پلیس چه اقداماتی می‌تواند انجام دهد جای بحث است. زمانی با شرایط ماده 21 ق.آ.د. ک جرم در مرئی و منظر ضابطین دادگستری واقع شده و یا اینکه قاضی ناظر وقوع جرمی باشد مرتکب به عنوان متهم قابل تعقیب است ولی زمانی که اسباب و آلات جرم در تصرف فردی بافت شود و یا تعلق این اسباب به فرد خاصی محرز گردد و یا اینکه فردی از محل وقوع جرم فرار کرده یا قصد فرار داشته باشد این فرد مظنون به ارتکاب جرم است که در ماده 21 ق.آ.د. ک به آن اشاره شده. و دستگیری این افراد اگر با شرایط جرم مشهود مطابقت داشته باشد از وظیفه ضابطین است و نیازی به اخذ حکم قضایی ندارد ولی چنانچه با شرایط جرم مشهود مطابقت ندارد و در زمره جرائم غیر مشهود و دستگیری این افراد تابع تشریفات خاص خود یعنی اخذ دستورات قضایی و شرایط احضار به عنوان مطلع یا متهم است.

البته در ماده 22 ق.آ.د. ک. نیز بیان شده هر گاه علائم و امارات وقوع جرم مشکوک باشد یا اطلاعات ضابطین از منابع موثق نباشد قبل از اطلاع به مقامات قضایی تحقیقات لازم را بدون اینکه حق دستگیری یا ورود به منزل کسی را داشته باشند به عمل آورده و نتیجه را به مقامات یاد شده اطلاع دهند.

شاید تصور شود این ماده مجوز احضار و بازجویی از مظنونین جرم باشد و پلیس بتواند برای صحت و سقم موضوع تحقیقات لازم را انجام دهد ولی به نظر نمی‌آید قانون گذار پس از اعمال شرایط مواد 18 و 24 و 25 همان قانون قصد داشته اختیارات بدون مرزی را برای ضابطین در این ماده قبل از اینکه جرمی کشف شود در نظر گرفته باشد لذا باید در تحقیقات لازم موضوع ماده 22 به شرایط قانونی احضار متهم، شهود و بازرسی منازل اماکن اشیاء اموال و حتی تفتیش عقاید و حفظ حریم خصوصی افراد توجه شود.

وقتی که در جرائم غیر مشهود برابر ماده 24 ق.آ.د. ک بدون مجوز قضایی هیچگونه اقدامی از سوی ضابطین متصور نبوده ذکر کلمه تحقیقات لازم در ماده 22 در جرم مشکوک نمی‌تواند مجوز هر گونه اقدام سلیقه‌ای برای پلیس باشد. پس مظنونین موضوع ماده 22 نیز تابع شرایط مظنون جرائم مشهود و غیر مشهود هستند. لذا تا جرمی کشف نشود نمی‌توان به دنبال مجرم آن گشت و اگر جرمی واقع شد و فردی به عنوان مظنون تحت تعقیب قرار گرفت باید دلائل و مدارک و مستندات لازم برای احضار وی وجود داشته باشد و همه حقوق دفاعی که برای متهم وجود دارد برای مظنون بطور وسیع‌تر وجود دارد. زیرا هنوز روشن نیست که آیا محاکمه‌ای خواهد بود یا خیر. با این حال مسلم است که اشخاص تحت بازجویی باید از همه‌ی حقوق مسلم برای متهمان که می‌تواند در خصوص موقعیت آنان قابل اجرا باشد برخوردار شوند. دو دلیل عمده برای حمایت از این تفسیر وجود دارد: نخست غیر منطقی به نظر می‌رسد که این حقوق را برای کسی که هنوز هیچگونه اتهامی علیه وی صورت نگرفته است شناسایی نکنیم حال آن که چنان چه وی در جایگاه متهم قرار گیرد این حقوق برای او به رسمیت شناخته می‌شود. دوم وضعیت مظنون راه را برای متهم شدن هموار می‌نماید. در نتیجه منطقی است بگوییم که اگر به فردی هنگامی که متهم است حقی داده شود نقض غرض خواهد بود اجازه دهیم چنین حقوقی نقض شود. قبل از این که وی تحت حمایت قاعده خاصی قرار گیرد. این مسأله می‌تواند مسیر حمایت بعدی را هموار کند (زاپالا، 1387).

لذا اصل براءت با فرض بر بی‌گناهی فقط برای متهم نیست بلکه به معنای وسیع‌تر برای مظنون نیز می‌باشد. در بند 4 از ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب 83 به رعایت موازین اسلامی و اخلاق برای افراد در مظان اتهام اشاره شده است و در سطح بین المللی نیز در ماده 14 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی معیارهای



حمایت از متهم برای مظنون نیز قابل تصور است زیرا حمایت از اشخاصی که هنوز متهم نیستند ممکن است وسیع تر از متهم باشد اما یقیناً محدودتر نیست.

مظنون در طرح پیشگیری از وقوع جرم پلیس مورد حمایت جدی قرار نگرفته و عملاً ما شاهد نقض حقوق شهروندان هستیم هرچند که پلیس توجیه قانونی برای این اقدام خود ندارد. البته قانونگذار در آئین نامه اجرایی ماده 122 قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی در ماده 6 در بحث وظائف پلیس محله به این نکته اشاره کرده که وظیفه پلیس محله دستگیری مظنونین و تحویل آن به کلانتری و پاسگاهها است. که این مورد در این آئین نامه قابل ایراد است که چگونه وقتی قانونگذار در قوانین خود برای پلیس حق دستگیری مظنون را پیش‌بینی نکرده چگونه برای افراد پلیس محله که بدون تجربه و تخصص و یک نهاد خصوصی است حق تشخیص و شناسایی و دستگیری مظنون را پیش‌بینی کرده است.

پلیس در اجرای طرح پیشگیری از وقوع جرم به راحتی با اجرای طرح‌هایی بنام طرح مظنون گیری در سطح شهر اقدام به دستگیری افرادی می‌نماید که هیچ‌گونه اتهامی علیه آن‌ها به وجود ندارد. یا در ایست و بازرسی‌ها اقدام به پیاده کردن افرادی در اتوبوس‌های عمومی و خودروهای شخصی و بازدید اموال و بازرسی آن‌ها می‌نماید و یا افرادی را که در پارک‌ها و یا شبانه در خیابان‌ها در حال حرکت هستند بدون دلیل مورد بازجویی و گاهاً دستگیر و در مقر انتظامی نگهداری می‌نمایند. همه این اقدامات نقض صریح حقوق شهروندان و اجرای این طرح‌ها هر چند ممکن است به کشف جرم منتهی شود ولی شرایط نقض حقوق شهروندان در آن مشهودتر است زیرا تا جرمی کشف نشود نمی‌توان به دنبال متهم آن گشت و اگر این باب شود که پلیس به دنبال افراد بگردد تا جرم کشف کند حق آزادی، حق زندگی کردن، اصل برائت و همه حقوق بنیادین شهروندان در امان نخواهد بود و نوعی احساس ناامنی در جامعه به وجود می‌آید.

## 2- حقوق متهم در مرحله کشف جرم

طبق ماده 15ق. آ. د. ک 1378 ضابطین دادگستری وظیفه کشف جرم و جلوگیری از فرار متهم را بر عهده دارند پس از آن که جرمی کشف شد و متهم آن جرم شناسایی گردید یا دلائل و مدارک و مستندات کافی برای انتساب جرم به فرد خاصی وجود داشت در جرائم مشهود ضابطین رأساً اقدامات لازم را برای حفظ اسباب و آلات جرم و دستگیری متهم انجام می‌دهند ولی چنانچه جرم غیر مشهود باشد مراتب به مقام قضایی اعلام و برابر دستور مقام قضایی اقدام می‌شود. ولی آنچه که مهم است تعقیب متهم در مرحله کشف جرم نیز تابع حقوق شهروندی متهمان در مراحل دادرسی است. یعنی فرض بی‌گناهی یا اصل برائت در این مرحله حاکم است و احضار و تعقیب به موجب قانون انجام می‌شود. مهمترین اقدام پلیس در مرحله کشف جرم شناسایی متهم است که برای شناخت متهم پلیس باید قواعد حقوق شهروندی را رعایت کند. لذا در این مبحث به اجمال حقوق شهروندان در مراحل جمع‌آوری ادله، ضرورت احضار و جلب و حفظ حریم خصوصی متهمین و حفظ صحنه جرم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## 2-1- بی‌طرفی پلیس در جمع‌آوری ادله

از نظر آئین دادرسی مدنی دلیل عبارت از امری است که اصحاب دعوی برای اثبات دعوی یا دفاع از دعوی به آن استناد می‌نمایند. در ماده 1258 قانون مدنی دلائل اثبات دعوی را شامل اقرار، اسناد کتبی، شهادت، امارات و قسم دانسته اما در آئین دادرسی کیفری دلیل عبارت است از وسیله‌ای است که به موجب امر مقنن و یا اعتقاد و ایمان قلبی قاضی دلالت به تحقیق جرم از ناحیه شخص یا اشخاص معین دارد (مؤذن‌زادگان، 1390). بی‌طرفی در جمع‌آوری ادله یعنی آنکه پلیس در مقام کشف جرم باید آنچه از دلائل له و علیه متهم است را جمع‌آوری کند و به عبارت دیگر به هیچ وجه نباید بین اوضاع و احوال که به نفع یا ضرر متهم است فرق بگذارد و این از مهم‌ترین ارکان تضمین حقوق متهم است در ماده 39 ق. آ. د. د. ع انقلاب در امور

کیفری به بی طرفی در تحقیقات اشاره و بیان داشته در کشف اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهم است بی طرفی کامل را رعایت نمایند.

## 2-2- حفظ آلات، ادوات، آثار و علائم و دلایل جرم

برای حفظ آلات و ادوات و آثار و علائم و دلایل جرم ابتدا باید صحنه جرم توسط پلیس مورد باز بینی و بررسی قرار گیرد. در این مرحله از فرآیند دادرسی پلیس نقش مهم و اساسی را ایفا می کند. در این مرحله آمیخته ای از هنر و تجربه و تخصص پلیس نقش اساسی را در کشف یا عدم کشف جرم بازی می کند. مهمترین موارد نقض حقوق شاکی یا متهم در این مرحله ممکن است انجام پذیرد. پلیس اولین مأمور قانونی و مأمور تحقیق پرونده و یا بنایی است که شالوده اصلی یک پرونده کیفری را برپا می کند. چون پلیس در این مرحله به عنوان اولین شاهد و ناظر عینی بر صحنه جرم است مشاهدات وی نقش مهمی در اثبات یا عدم اثبات جرم دارد. در این مرحله از فرآیند دادرسی پلیس به جمع آوری دلایل و مدارک جرم می پردازد و اینکه چه مدارکی از نظر پلیس می تواند در اثبات جرم مؤثر باشد به تخصص، تجربه و هنر و هوش و ذکاوت پلیس بستگی دارد. هدف از مرحله جمع آوری مدارک پیدا کردن، جمع آوری و نگهداری از همه ی مدارک فیزیکی است که ممکن است به بازسازی جرم و شناسایی مجرم کمک کند. مدارکی که یک پلیس می تواند در صحنه جرم بیاید به شرح ذیل است:

- 1- آثار شامل اثر انگشت، ردپا، آثار ابزار
  - 2- مدارک نشانه ای شامل چیزی که از شلیک گلوله یا ابزار آلات به جا مانده یا باقی مانده رنگ، شیشه شکسته، مواد شیمیایی، مواد مخدر.
  - 3- ترشحات بدن شامل خون، آب دهان، استفراغ و...
  - 4- موها و الیاف
  - 5- مدارک سلاح های سرد و گرم شامل چاقوها، تفنگ ها، سوراخ های گلوله، پوکه فشنگ.
  - 6- مدارک مشکوک شامل دفتر خاطرات، یادداشت، تلفن، گوشی موبایل، ایمیل و... (لایتون، 1393).
- اقدام پلیس در جهت حفظ حقوق شهروندان در بررسی صحنه جرم به شرح ذیل انجام می شود.

## 2-2-1- ضرورت بررسی صحنه جرم

با توجه به اینکه مجرمین حتی در موارد ارتکاب جرم با طرح و نقشه قبلی و تمهید احتیاطات لازم جهت به جا نماندن ردی از خود ممکن است بصورت قهری آثاری از خود در صحنه جرم یا نزد مجنی علیه بر جای می گذارند و چه بسا ممکن است آثاری از صحنه جنایت نزد مجرم کشف و یافت شود. لذا انجام اقداماتی مانند انگشت نگاری و آثار برداری از بو، خون، لباس و غیره از صحنه جرم ضرورت اجتناب ناپذیری می باشد که چنانچه فوری و توسط عوامل ذیربط صورت نپذیرد باعث از بین رفتن دلایل و آثار جرم و تضییع حق می شود و از طرف دیگر با عنایت به اینکه مقررات آئین دادرسی کیفری نیز الزامی بودن بررسی صحنه جرم را مورد تأکید قرار داده است بنا به مراتب تردیدی در لزوم بررسی صحنه جرم وجود ندارند.

## 2-2-2- تسریع در بررسی صحنه جرم

با توجه به اینکه صحنه جرم ممکن است با تأخیر پلیس از بین برود و آثار و دلائل جرم به طور کلی یا جزئی نابود شود اقدام پلیس تحت هر شرایطی شب یا روز و در هر شرایط آب و هوایی الزامی است به همین دلیل در ماده 18 ق. آ. د. د. ع انقلاب در امور کیفری بیان شده ضابطین دادگستری به (محض اطلاع) از وقوع جرم در جرائم غیر مشهود مراتب را جهت کسب تکلیف به مقام قضایی اعلام و در جرایم مشهود تمامی اقدامات لازم را به منظور (حفظ آلات و ادوات و آثار و علائم و دلایل) جرم و جلوگیری از فرار متهم و یا تبانی معمول و تحقیقات مقدماتی را انجام و بلافاصله به اطلاع مقام قضایی

می‌رسانند. و در ماده 40 همان قانون (اقدامات فوری برای جلوگیری از امحاء آثار و علائم جرم را مورد تأکید قرار داده است در ماده 42 همان قانون به اجرای فوری و به موقع دستورات قضات تحقیق و در ماده 61 به تحقیق سریع اشاره و بیان داشته تعطیلات مانع انجام تحقیقات نمی‌شود).

### 2-2-3- ضرورت هماهنگی پلیس با مسئولین بررسی صحنه جرم

تیم بررسی کننده جرم ارگان‌هایی هستند که قانوناً مسئولیتی در این امر داشته و از افراد با تجربه و دارای مهارت‌های لازم باشند.

به موجب قانون آ. د. ک اکیپ بررسی صحنه جرم افراد ذیل می‌باشند.

- 1- قاضی مستند به سواد 17، 40، 78، 90، 94 آئین دادرسی کیفری
- 2- پزشکی قانونی یا پزشک معتمد مستند به مواد 78 و 80، 82، 83، 88 و 90 قانون آئین دادرسی کیفری و بند 1 و تبصره 1 از قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی مصوب 1372 و بند 1 تصویب‌نامه هیأت وزیران در خصوص ارائه خدمات پزشکی قانونی در ایام تعطیل و شب‌ها مصوب 1380/12/1
- 3- کارشناس یا خبره محلی شامل کارشناس سلاح و مهمات، آتش‌نشانی و... با استناد به مواد 78 و 83 قانون آئین دادرسی کیفری

- 4- مأمورین تشخیص هویت پلیس آگاهی مستند به ماده 9 قانون نیروی انتظامی مصوب 69
- 5- مأمورنی دایره ویژه قتل پلیس آگاهی مستند به مواد 15 و 18 و 42 آئین دادرسی کیفری. پلیس موظف در اسرع وقت همکاری و هماهنگی لازم را با اکیپ بررسی صحنه جرم در اولین فرصت پس از وقوع جرم داشته و مانع از بین رفتن آثار و دلائل و علائم جرم شود.

### 2-2-4- کیفیت بررسی صحنه جرم

- 1- بررسی صحنه جرم به نحو کارشناسانه با دقت و حوصله توسط افراد خبره و متخصص و مسئول انجام شود.
- 2- بررسی صحنه جرم تحت نظارت قاضی انجام شود
- 3- آثار برداری از صحنه جرم فوری، و همراه با مستند سازی اعم از فیلم، عکس... باشد و انگشت نگاری (ماده 94 قانون آئین دادرسی کیفری)
- 4- تمام آثار و علائم مکشوفه به نحوی که در قضیه مؤثر است در صورتجلسه و فیلم با عکس گنجانده شود.
- 5- تسریع در جمع‌آوری صحنه جرم در زمانی که موجب خدشه دار شدن عفت عمومی با نظم عمومی جامعه است.
- 6- محصور کردن صحنه جرم با توجه به صحنه جنایت و آثار و علائم جرم مثلاً اگر جرم در منزل اتفاق افتاد صحنه جرم همان خانه ولی اگر آثار خون در بیرون از منزل یا کوچه هم وجود دارد صحنه جرم به کوچه یا حتی محله هم سرایت می‌کند.
- 7- جلوگیری از ورود افراد غیر مسئول و انتشار و درج مشاهدات صحنه جرم یا انتقال آن به افراد غیر مسئول
- 8- امانت داری در اسناد و اشیاء و اموال کشف شده در صحنه جرم
- 9- اخذ دستور جلب افرادی که به نوعی با صحنه جرم مرتبط هستند با استناد به ماده 82 قانون آئین دادرسی کیفری در بررسی صحنه جرم

- 10- شماره گذاری و مهمور کردن و حفظ آنچه از صحنه جرم کشف شده ماده 108 ق. آ. د. ک.
- 11- حفاظت از صحنه جرم در صورتی که امکان جابجایی صحنه جرم امکان پذیر نباشد ماده 109 ق. آ. د. ک
- 12- اشیاء و نوشته‌های متهم که مربوط به صحنه جرم است بررسی و از بررسی سایر اشیاء خودداری و از افشاء مضمون نوشته و محتوای آن خودداری شود ماده 103 ق. آ. د. و. ک

13- از مایعات قابل تجزیه در 3 شیشه جداگانه نمونه برداری شود ماده 110 ق. آ. د. ک  
14- دقت، سرعت، رعایت اصول فنی و موازین علمی، جلوگیری از امحاء آثار و تنظیم صورتمجلس و مستند سازی از صحنه جرم  
در کل پلیس باید به این نکته توجه کند صحنه جرم فقط محدود به محل کشف مجنی علیه علیه یا محل وقوع جرم نمی‌باشد و چه بسا ممکن است محدوده وسیعی را در بر داشته باشد. و حتی در مواردی ممکن است به جهت تعداد جرایم ارتكابی چندین صحنه جرم مطرح باشد مثل موردی که فردی بدو در مکانی مورد جرح قرار گرفته سپس با اقدام مجرمانه آدم ربایی به محل دیگر انتقال و در آنجا به قتل رسیده و در یک نقطه و مکان دیگری به صورت غیر قانونی تدفین شده باشد (آسیایی، 1390).

### 2-3- ضرورت احضار متهم

همانطور که قبلاً بیان شد پلیس حق احضار مظنون را ندارد مگر اینکه قابلیت انتساب اسباب و آلات جرم یا ارتكاب جرم به مظنون وجود داشته باشد که در این مورد ضمن اعلام موضوع به مرجع قضایی دستور احضار مظنون به عنوان متهم با مطلع از مقام قضایی اخذ می‌شود. به همین دلیل در ماده 124 ق. آ. د. ع و انقلاب در امور کیفری بیان داشته قاضی نباید کسی را احضار یا جلب کند مگر اینکه دلایل کافی برای احضار یا جلب موجود باشد.

پلیس قبل از احضار متهم باید دلایل را جمع‌آوری کند و آن‌ها را پس از ارزیابی در صورت وجود دلایل کافی و لزوم تحقیق از متهم مراتب را به مرجع قضایی اعلام و تقاضای احضار متهم را نماید. یعنی قبل از احضار پلیس در تحقیقات ابتدایی خود ادله وقوع جرم را بررسی کرده و انتساب آن به متهم را محرز دانسته است. وقتی پلیس تقاضای احضار متهم را به قاضی می‌دهد باید از این احضار هدف مشخص و نتیجه مشخص بگیرد. یعنی از قبل با کنار هم قرار دادن ادله‌های جرم و فرد متهم فرضیه‌های لازم را برای خود بوجود آورده و حال در احضار متهم می‌تواند یک چنین سؤالات و رفتار و حرکات فنی پیرامون فرضیه‌های ساخته شده بررسی نماید. پس احضار متهم باید بتواند در اثبات یا عدم اثبات فرضیه‌ها مؤثر باشد در غیر این صورت صرف حضور فردی به اتهام ارتكاب جرم و عدم استفاده صحیح از این احضار فقط اطلاعات پرونده افشا شده است. بنابراین حقوق شهروندی متهم ایجاب می‌کند در اجرای اصل براءت و فرض بی‌گناهی تا زمانی که دلایل لازم و کافی برای احضار وجود نداشته باشد از احضار متهم خودداری گردد. البته شرایط احضار در جرم مشهود و غیر مشهود متفاوت است.

### 2-3-1- احضار متهم در جرم مشهود

در جرم مشهود استثنائاً قانون گذار اجازه داده است که قبل از جمع‌آوری ادله و همزمان با آن، آزادی متهم نیز سلب گردد. دلیل این امر آن است که در جرم مشهود انتساب جرم به متهم محرز و مسلم است. بنابراین نیاز چندانی به جمع‌آوری دلیل برای انتساب جرم به مجرم وجود ندارد (طویلی، 1384). در جرم مشهود چنانچه فوریت داشته باشد امکان احضار متهم موجب فرار یا تبانی و مخفی شدن و یا از بین رفتن آثار جرم شود ممکن است به جای احضار، متهم جلب هم شود. با توجه به ماده 24 ق. آ. د. ک ضابطین می‌توانند متهم را در جرم مشهود تا 24 ساعت نیز در بازداشت نگه دارند. ولی در اولین فرصت باید مقام قضایی را از وقوع جرم و اقدامات انجام شده مطلع نمایند. البته در ماده 24 به این نکته هم اشاره شده که در جرائم مشهود بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد می‌توان متهم را تا 24 بازداشت کرد و در اولین فرصت باید مراتب را به اطلاع مقام قضایی رساند. لذا اگر پلیس نتواند در مقابل ادعای متهم مبنی بر عدم ضرورت بازداشت دلیل کافی مستند برای بازداشت ارائه دهد بازداشت وی غیر قانونی است حتی اگر جرم مشهود باشد. و یا اینکه اگر متهم را در جرم مشهود بازداشت ولی در اولین فرصت عمداً یا سهواً از اعلام موضوع به مرجع قضایی خودداری کرده باشد اقدام وی غیر قانونی و در مقابل پاسخگو است.

## 2-3-2- احضار متهم در جرایم غیر مشهود

بر اساس ماده 24 ق. آ. د. ک هر گونه اقدام پلیس در جرائم غیر مشهود صرفاً با اجازه مقامات قضایی انجام می‌شود. اختیاراتی که برای پلیس در جرم مشهود پیش‌بینی شده در جرایم غیر مشهود متصور نمی‌باشد. لذا جمع‌آوری دلایل و مدارک لازم برای احضار متهم از موارد ضروری در جرم غیر مشهود است. اینکه بعضی موارد در بعضی از یگان‌های انتظامی بدون دستور مقام قضایی اقدام به احضار متهم یا مطلع تحت عنوان دعوت نامه می‌شود مغایر قانون است. ولی در خصوص احضار شاکی با توجه به اینکه قانون رویه خاصی مشخص نکرده به نظر پلیس می‌تواند در هر زمان برای تسریع در روند تحقیقات از شاکی کمک بگیرد و شاکی خود برای پیگیری پرونده مراجعه کند لذا احضار شاکی به هر طریقی که پلیس مقتضی بداند منعی ندارد مگر اینکه جنبه ایدیی داشته باشد.

## 2-3-3- شرایط احضار

### الف) کتبی بودن احضار

برابر ماده 112 ق. آ. د. ک احضار متهم بوسیله احضارنامه به عمل می‌آید البته هم اکنون احضار تلفنی یا احضار بوسیله پیامک نیز در بعضی در مراجع قضایی انجام می‌شود ولی محمل قانونی ندارد و در صورت استتکاف از احضار ضمانت اجرایی برای این احضار وجود ندارد. در تبصره 1 ماده 21 قانون شورای حل اختلاف احضار بدون احضارنامه پیش‌بینی شده ولی بیان شده چنانچه خواننده با دعوت شورا در جلسه رسیدگی حاضر نشود یا لایحه‌ای ارسال ننماید شورا مکلف است او را با ارسال اخطاریه دعوت کند. لذا می‌بینیم که احضار بدون احضاریه فاقد ضمانت اجرا است.

### ب) تاریخ احضار

تاریخ احضار باید در احضارنامه مشخص شود در ماده 113 ق. آ. د. ک به تاریخ احضار و علت احضار در احضار نامه اشاره کرده است.

### ج) زمان احضار

زمان احضار برابر ماده 177 ق. آ. د. ک از تاریخ ابلاغ تا جلسه رسیدگی نباید کمتر از 3 روز باشد. در امور حقوق کمتر از 5 روز نباشد.

### د) علت احضار

علت احضار برابر ماده 113 ق. آ. د. ک باید مشخص باشد. احضار شوند اطلاع کافی از احضار داشته و با آمادگی لازم به محل احضار مراجعه کند. البته در تبصره ماده 113 ق. آ. د. ک بیان شده در صورت مصلحت علت عدم حضور در احضاریه قید نمی‌شود. بعضی از حقوقدانان قید مصلحت در تبصره مذکور را مطلق دانسته‌اند یعنی هم ناظر به رعایت خصوصیات شخصی متهم و شئونات وی می‌باشد و هم ناظر به وضعیت خاص و نوع جرم مانند تبانی و امحاء دلائل جرم و مرجع مصلحت نیز قاضی است (مجموعه دیدگاه‌های قضایی قضات دادگستری تهران، 1388).

برخی دیگر مصلحت را ناظر به کلمه جرایم می‌دانند نه شخصیت و شأن متهم لذا به نظر می‌رسد نظر قانونگذار از یک طرف رعایت موازین شرعی به ویژه در امور منافی عفت به جهت جلوگیری از اشاعه فحشا و حفظ آبروی احضار شونده و از طرف دیگر جلوگیری از تبانی یا امحاء و اخفای دلایل یا جلوگیری از احتمال تعرض به جان احضار شونده از سوی شرکا و معاونین احتمالی جرم است (شاملو احمدی، 1390).

البته دکتر خالقی معتقد است مقصود از علت احضار مذکور در ماده 113 را نیز که مندرجات آن در صدور هر نوع احضارنامه قید می‌گردد باید دلیل کلی فراخواندن شخص دانست نه جهات جزئی مندرج در پرونده مانند عنوان اتهام او بدین ترتیب به منظور جلوگیری از لطمه به حرمت و حیثیت اشخاص باید به قدر متقین از این الزام قانونی بسنده نمود و در احضار نامه علت کلی احضار مثلاً رسیدگی به اتهام «ذکر گردد تا از سایر جهات احضار که ممکن است شخص به عنوان شاهد، مطلع، کارشناس و نظایر آن توسط مرجع قضایی احضار می‌شوند متمایز گردد» (خالقی، 1390).

البته در بند 2 ماده 9 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد نیز بیان داشته «... در اسرع وقت اختاریه‌ای دائر بر هر گونه اتهامی که به او نسبت داده می‌شود دریافت می‌دارد» هر گونه احضار در مقر انتظامی صرفاً با دستور مقام قضایی مگر در جرائم مشهود که با توجه به دلائل و مدارک و جرم ارتكابی توسط پلیس و رأساً احضار انجام می‌شود.

در هر صورت متهم نباید از زمان احضار تا زمان اطلاع از اتهام خود دچار استرس و اضطراب و سردرگمی و با عدم آمادگی حضور یابد و این حق متهم است که از قبل از علت احضار خود مطلع شود.

## 2-4- ضرورت جلب متهم

جلب در لغت به معنای گناه نکردن، کشاندن از جایی به جایی دیگر و در اصطلاح حقوق کیفری هر گاه متهم با وصف ابلاغ احضارنامه و استحضار از موضوع اتهامی در دادگاه حضور نیابد و عدم حضور خود را مستند به یکی از معاذیر قانونی اعلام ننماید و یا مرتکب جرایم مندرج در ماده 118 قانون آ. د. د. ع انقلاب در امور کیفری شود به موجب ماده 112 و 117 همان قانون حکم جلب وی صادر و در اختیار ضابطین دادگستری قرار می‌گیرد تا مأمور جلب پس از ابلاغ برگ جلب متهم را دعوت نموده تا در معیت وی نزد قاضی حضور یابد (قاسم‌پور، 1381).

مأمور جلب باید در کمال ادب و احترام از متهم دعوت نماید که نزد مرجع قضایی حاضر شود. با توجه به ماده 120 ق. آ. د. ک احترام به حقوق شهروندی متهم وظیفه مأمور است. مأمور باید برای متهم و شخصیت او احترام قائل شود. البته این موضوع تا زمانی است که متهم دعوت مأمور جلب را اجابت نماید در غیر اینصورت مأمور جلب باید به قهر و زور متوسل شده و متهم را دستگیر و به مرجع قضایی تحویل نماید. حکم جلب توسط قاضی صادر و توسط پلیس اجرا می‌شود مگر اینکه در جرائم مشهود که ضابطین به منظور جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم یا از بین بردن اسباب و آلات جرم و اسناد اقدام به جلب و دستگیری متهم می‌نمایند. جلب به جز در موارد استثنایی و فوری در روز انجام می‌شود. در ماده 122 قانون آئین دادرسی کیفری به صدور برگ جلب سیار اشاره شده است و در تبصره همان ماده ممکن است این جلب سیار در اختیار شاکی هم قرار گیرد تا هر کجا متهم را یافت آن را به ضابطان معرفی تا دستگیر نمایند.

بیشترین موارد نقض حقوق شهروندی در جلب سیار متصور است. زیرا در این نوع جلب حریم خصوصی متهم در هر مکان و محلی مورد تعرض قرار می‌گیرد.

اعطای صدور حکم جلب سیار و تسلیم آن به شاکی خصوصی نه تنها نقض آشکار حقوق متهم است بلکه در برخی موارد تا زمانی که در دادگاه حضور می‌یابد و از خود دفاع می‌کند و ممکن است به براءت و منجر شود شخصیت و موقعیت اجتماعی وی که به تعبیر قانون «اگر مصلحت ایجاب نماید» قربانی مصلحت می‌گردد (قاسم‌پور، 1381).

با توجه به مواد قانونی بیان شده در خصوص جلب متهم مقام قضایی و ضابطان دادگستری باید با تعامل مناسب با یکدیگر در جهت حقوق شهروندی متهم گام بردارند. به نحوی که مقام قضایی

- 1- با وجود دلایل کافی و عدم حضور متهم و با رعایت مواد قانونی مرتبط دستور جلب متهم را صادر نماید
- 2- برگ جلب با امضای شخص قاضی باشد نه مدیر دفتر.
- 3- ضرورت جلب در شب صراحتاً بیان شود.

- 4- بعد از جلب تحقیقات مقدماتی ظرف 24 ساعت شروع شود.
- 5- تمامی حقوق شهروندی متهم در زمان دستگیری رعایت شود.
- 6- شأن و منزلت متهم جلب شده مورد توجه قرار گیرد.
- 7- حریم خصوصی متهم جلب شده حفظ شود.
- 8- دستور جلب به متهم ابلاغ شود و کرامت انسانی متهم مورد توجه قرار گیرد.
- 9- چنانچه حکم جلب برای ورود به مخفی گاه متهم است اگر متهم در محلی غیر از ملک شخصی خود مخفی شده باید حریم خصوصی ملک مذکور رعایت و مجوز ورود قضایی لازم برای ورود به آن ملک اخذ شود زیرا حکم جلب مذکور نمی تواند مجوز به ملک غیر باشد و چنانچه با حکم جلب سیار و ورود به مخفی گاه متهم پلیس وارد ملک فردی شود که متهم در آن مخفی شده این اقدام مغایر با اصل قانون اساسی و آئین دادرسی کیفری و ورود غیر قانونی محسوب می شود.

#### 2-4-1- جلب بدون خشونت

وقتی که متهم یا شهود یا افراد مطلع برابر مقررات احضار شدند چنانچه بدون دلیل موجه حضور پیدا نکرده و گواهی عدم امکان حضور نیز به مرجع قضایی اعلام نکردند مرجع مربوطه حکم جلب صادر می کند (ماده 117 ق. آ. د. ک) و گاه قاضی می تواند بدون صدور احضاریه در شرایط، موضوع ماده 118 ق. آ. د. ک بدو حکم جلب صادر کند. ماهیت حکم جلب از احضار شدیدتر است در این مرحله به جای اینکه احضاریه برای مخاطب ارسال شود مأمور به دنبال مخاطب می رود. یعنی دادگاه به جای فرم احضار شخص حقیقی یعنی مأمور دولت را به دنبال مخاطب می فرستد. از مفهوم ماده 119 همان قانون، ماهیت جلب همان فرستادن مأمور به دنبال مخاطب است نه اینکه خشونت و استفاده از جبر لذا صرف حضور مأمور در کنار متهم و همراهی متهم تا مرجع قضایی حکم جلب اجرا شده است. در ماده 119 بیان شده مأمور جلب پس از ابلاغ برگ جلب متهم را دعوت می نماید که او نزد قاضی حاضر شود. لذا از این مفهوم استفاده از دستبند یا پابند و اعمال فشار و زور برداشت نمی شود.

#### 2-4-2- جلب با خشونت

در قسمت دوم ماده 119 همان قانون امتناع متهم از حضور موجب اعمال جبر و زور علیه متهم است نه ماهیت حکم جلب یعنی قانونگذار تحت الحفظ شدن متهم را منوط به عدم حضور اختیاری وی نزد قاضی دانسته است. در اینکه بدون توجه به قسمت اول ماده 119 برای تمامی متهمان که حکم جلب آنها صادر شده دستبند، پابند و زور و خشونت اعمال می شود خلاف حقوق شهروندی است.

پلیس باید به این نکته توجه کند که متهم مجلوب اگر با اراده و میل خود نزد قاضی حاضر شود نیاز به اعمال خشونت و زور نیست. در جلب با خشونت می توان از روشهایی مانند استفاده از پابند، دستبند و سلاح استفاده نمود. خشن ترین و خطرناک ترین اقدام پلیس علیه شهروندان استفاده از سلاح است. استفاده از سلاح غالباً برای جلوگیری از فرار متهم و معمولاً برای دفاع از مأمور و حفاظت از اماکن طبقه بندی شده صورت می گیرد.

نقض حقوق شهروندان در استفاده از سلاح توسط پلیس به وفور قابل مشاهده است. قانونگذار با پیش بینی شرایط نقض حقوق شهروندی برای پلیس قانون خاص تیر اندازی تصویب کرده است. این قانون ابتدا در سال 1335 در قانون تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی منضم به ماده 226 در 5 ماده به تصویب رسید و پس از آن در سال 1373 در 17 ماده احیاء و به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.

#### 2-5- قانون بکارگیری سلاح و حقوق شهروندی

1- هدف از بکارگیری سلاح در ماده 1 این قانون صرفاً برای استقرار نظم و امنیت و جلوگیری از فرار متهم یا مجرم و یا در مقام ضابط قوه قضائیه به تفتیش، تحقیق و کشف جرایم و اجرای احکام است. لذا تیراندازی خودسرانه و سلیقه‌ای در این قانون پیش‌بینی نشده و بر عکس برای این گونه تیراندازها ماده 41 قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب 82 مجازات در نظر گرفته است.

2- تیراندازی در ق ب سلاح برابر ماده 1 صرفاً در موارد ضرورت انجام می‌گیرد یعنی مأمور همه اقدامات و تمهیدات لازم را برای عدم تیراندازی انجام داده و در نهایت چاره‌ای جز تیراندازی در مقابل یک عامل خارجی نداشته باشد.

3- قانون گذار برای حمل و بکارگیری سلاح در ماده 2 مأموری با صلاحیت جسمی و شخصیتی خاص را پیش‌بینی کرده است.

در این ماده مأموری می‌تواند سلاح حمل کند که از سلامت جسمانی و روانی متناسب با مأموریت مأموریت محوله برخوردار باشد لذا تجهیز یک فرد روانی و کم حوصله برای مأموریت مسلحانه مغایر با حقوق شهروندان است.

آموزش لازم در راستای مأموریت برای مأمور مسلح ضروری است این فرد مسلح باید بداند برای دستگیری چه کسی می‌رود و تحت چه شرایطی باید تیراندازی کند حفظ حقوق شهروندان برابر این ماده منوط به میزان آموزش و مهارت مأمور مسلح دارد.

در این ماده تسلط مأمور در بکارگیری سلاحی که در اختیار دارد مورد تأکید قرار گرفته است. لذا مأموری که نیم تنه خود را از شیشه خودروی پلیس که با سرعت بیش از 100 کیلومتر در تعقیب خودروی متهم است بیرون آورده و در آن شرایط به سمت خودروی تحت تعقیب تیراندازی می‌کند و منجر به کشته شدن سرنشین خودرو می‌شود نمی‌تواند مطابق قانون بکارگیری سلاح باشد و این نقض حقوق شهروندی و حقوق متهم است. لذا مأمور تحت شرایطی می‌تواند تیراندازی کند که مقررات بکارگیری سلاح را آموزش دیده و نسبت به سلاح مربوطه مهارت لازم را داشته و در زمان تیراندازی نیز تحت شرایط روحی و روانی و جسمی مناسب تیراندازی کند. تیراندازی مأموری که در حین دویدن به سمت متهم تیراندازی می‌کند یک تیراندازی در شرایط تسلط بر سلاح محسوب نمی‌شود.

در ماده 3 این قانون توجه مأمور مسلح به شخصیت و ابزار و توان فردی که به مأمور حمله کرده مورد توجه قرار گرفته و تیراندازی مأمور را در این شرایط زمانی مجاز دانسته است دفع خطر به طرق دیگر امکان پذیر نباشد. حمایت از جان افرادی که در مخاطره جانی قرار گرفته و دفع خطر بدون استفاده از سلاح ممکن نیست در بند 3 ماده 3 قانون مذکور تکلیف مأمور مسلح است. برابر ماده 4 همان قانون حقوق شهروندان در راهپیمایی‌ها و حتی آشوب‌ها ایجاب می‌کند که مأمورین خود سرانه اقدام به تیراندازی نکنند دستور شورای تأمین در این مواقع مجوز تیراندازی برای مأمورین است لذا قبل از تیراندازی استفاده از همه تمهیدات لازم برای پراکنده کردن افراد ضروری است. قبل از تیراندازی به سمت مردم هشدار و ایست و اخطار، تیراندازی هوایی امری ضروری و تکلیف برای پلیس است.

برابر ماده 6 همان قانون پلیس نمی‌تواند به هر خودرویی که مشکوک شد تیراندازی کند. تیراندازی به خودرو باید زمانی صورت پذیرد که برابر قرائن و دلائل معتبر و اطلاعات موفق خودرو مسروقه بوده و با حامل افراد متواری یا اموال مسروقه و با کالای قاچاق یا مواد مخدر و یا سلاح و مهمات غیر مجاز باشد. و یا اینکه از خودرو برای حمله عمدی به مأمورین یا مردم استفاده شده باشد. حقوق شهروندان ایجاب می‌کند که قبل از تیراندازی به خودرو با شرایط فوق از اقدامات لازم مانند ایست و بازرسی و علائم هشدار دهنده لازم برای توقف خودرو استفاده شود. در نهایت اگر راننده توجه نکرد توسط مأمور مجرب و آموزش دیده پس از ایست و تیر هوایی با قصد متوقف شدن خودرو به لاستیک تیراندازی شود نه به قصد کشتن سرنشین. برای جلوگیری از ایراد ضرر به مردم و شهروندان برابر ماده 8 همان قانون فرماندهان باید مأموران مسلح را قبل از مأموریت توجیه کنند. از سالم بودن سلاح و تجهیزات مطمئن شوند (ماده 10) از مأمورانی که آموزش کافی ندارند در مأموریت استفاده نشود (ماده 9) در صورت تیراندازی و مصدوم شدن افراد وظیفه مأمورین محافظت و مراقبت از مجروحین و انتقال سریع آنان به مراکز درمانی است (ماده 7). در تیراندازی‌ها باید دقت شود به افراد بی‌گناه آسیب نرسد (ماده 7). قبل از هر تیراندازی



حفظ حقوق شهروندان و رعایت حفظ جان و مال آنان از اهم واجبات است و تیراندازی برخلاف این مقررات نقض حقوق شهروندان و مستوجب مجازات‌های مقرر در قانون می‌باشد. در تیر اندازی‌ها باید پلیس در شرایط مساوی عقلی و منطقی و اخلاقی چیزی را که حفظ می‌کند مهمتر از کشتن یا مصدوم کردن افراد جامعه باشد لذا برای کشف 2 گرم تریاک یا چند طاقه پارچه قاچاق کشتن یا مجروح کردن یک فرد منطقی و اخلاقی نیست.

### بحث و نتیجه‌گیری

پلیس در اجرای وظایف خود در آنجا که از یک طرف مسئولیت حفظ نظم و امنیت جامعه و از طرف دیگر کشف جرم و جلوگیری از فرار متهم، بازجویی و بازرسی از اشیاء و اموال، اجرای احکام و دستورات مقام قضایی را بر عهده دارد عملاً با نوعی دوگانگی در صدور دستور از سوی سلسله مراتب خود و مقامات قضایی روبرو است که گاه نقض حقوق شهروندان در این دوگانگی هویدا است. لذا تفکیک وظایف پلیس با تعیین رسته و رشته‌های شغلی در این حوزه امری ضروری است. در هر صورت پلیس مکلف است در انجام این وظایف رعایت حقوق انسانی و حفظ کرامت انسانی را در دستور کار خود قرار دهد.

حقوق بنیادین افراد در غالب اصل برائت مانع شکنجه یا رفتارهای غیر انسانی و تحقیر آمیز آزادی‌های عمومی، قانونی بودن جرم و مجازات، اصل عدم تعرض، فرآیند منصفانه دادرسی در رفتار پلیس در جریان تحقیقات مقدماتی آنجا که قوانین بین‌المللی حقوق بشر و حقوق داخلی از حقوق متهم، شاکی، شهود و مطلع و شهروندان سخن به میان آورده مکلف به حفظ این حقوق است. پلیس باید بداند محاکمه منصفانه در گرو حفظ حقوق شهروندان است. و از آنجا که حقوقی از این افراد در فرآیند تحقیقات و دادرسی نقض گردید به یقین نمی‌توان این محاکمه را منصفانه دانست. از آنجا که نقش مؤثر پلیس در فرآیند کیفری به عنوان ضابط غیر قابل انکار است و تأثیر آن بر همگان پوشیده نیست، ضمن تعامل بین مرجع قضایی و پلیس باید با تأکید بر حفظ حقوق بنیادین افراد زمینه ایجاد یک دادرسی منصفانه توسط پلیس فراهم شود. به طوری که ما در فرآیند تحقیقات مقدماتی پلیس شاهد نقض حقوق شهروندان بر اساس حقوق داخلی و بین‌المللی نباشیم.

### منابع

- 1) آخوندی، محمود، 1372، آئین دادرسی کیفری، جلد 2، چاپ سوم، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- 2) آخوندی، محمود، 1382، آئین دادرسی کیفری، جلد 2، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- 3) آسیایی، حیدر، 1390، دستورالعمل جامع بررسی صحنه جرم ویژه قتل عمد، چاپ اول، شیراز، انتشارات دادسرای ویژه امور جنایی شیراز.
- 4) آشوری، محمد، 1379، عدالت کیفری، چاپ ششم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- 5) آشوری، محمد، 1385، آئین کیفری، جلد 2، چاپ سوم، تهران، انتشارات سمت.
- 6) بیرانوند، رضا، 1388، مسئولیت ضابطان در حقوق شهروندی، چاپ دوم، تهران، انتشارات معاونت آموزش قوه قضائیه.
- 7) جعفری لنگرودی، محمد جعفر، 1374، ترمینولوژی حقوق، چاپ هفتم، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- 8) خالقی، علی، 1390، آئین دادرسی کیفری، چاپ دهم، تهران، انتشارات پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- 9) دفتر مقابله با مواد مخدر و جرایم سازمان یافته ملل متحد، 1388، بهترین راهکارها برای حمایت از شهود در پرونده‌های کیفری مربوط به جرایم سازمان یافته، چاپ اول، تهران، انتشارات روزنامه رسمی.
- 10) رئوفیان نائینی، حمید، 1389، شاهد در حقوق کیفری ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علوم قضایی.
- 11) رئوفیان نائینی، حمید و حسن‌زاده محمدی، ابوالفضل، 1388، حمایت از شهود و چالش با حقوق دفاعی متهم، چاپ سوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- 12) زاپالا، سالواتور، 1387، حقوق بشر در محاکمات کیفری بین‌المللی؛ ترجمه حسین آقایی جنت مکان، تهران، انتشارات دانشگاه شهید چمران.
- 13) شاملو احمدی، محمدحسین، 1390، حقوق شهروندی، چاپ اول، تهران، نشر حقوق امروز.

- 14) طباطبایی مؤمنی، منوچهر، 1382، آزادیهای عمومی و حقوق بشر، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- 15) طویلی، مهدی، 1384، چگونگی تعامل قضایی و ضابطین دادگستری در اجرای عدالت کیفری، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، نراق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق.
- 16) قاسمپور، ابوالقاسم، 1384، ضابطین قضایی و وظائف قانونی آنها در قانون آ. د. د. ع و انقلاب مصوب 78 و قوانین متفرقه، چاپ اول، تهران، انتشارات افق امید.
- 17) لایتون، جولیا، 1393، پلیس و بررسی صحنه جرم، ترجمه محمود کریمی، سایت انجمن علمی و پژوهشی فقه قضایی، قابل دسترس در: [www.alqaza.com](http://www.alqaza.com)
- 18) مجموعه دیدگاههای قضایی قضات دادگستری تهران، 1388، جلد 2، چاپ دوم، تهران، انتشارات دادیار.
- 19) معین، محمد، 1377، فرهنگ فارسی، جلد سوم، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- 20) معین، محمد، 1382، فرهنگ فارسی، یک جلدی، چاپ اول، تهران، انتشارات ندا.
- 21) مؤذن زادگان، حسنعلی، 1390، حق دفاع متهم در قانون آئین دادرسی کیفری مطالعه تطبیقی آن، پایان نامه دکتری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- 22) موسوی مقدم، محمد، کشف جرم، مجله پیام آموزش، شماره 24، 1385، ص 80-61، میثاق بین الملل حقوق مدنی و سیاسی، 1966، مجمع عمومی سازی ملل متحد.
- 23) میرزایی، اسداله، 1386، حمایت از بزه دیدگان و شهود در برابر تهدید در فرآیند دادرسی، (مقالات برگزیده همایش حقوق شهروندی)، تهران، انتشارات مرکز مطبوعات و انتشارات اداره کل اجتماعی و فرهنگی قوه قضائیه.
- 24) میر محمد صادقی، حسین، 1386، حقوق جزای بین الملل، چاپ سوم، تهران، نشر میزان.
- 25) والین، لوک، شهود در حقوق بین الملل از حق حمایت تا حق بیان، ترجمه توکل حبیب زاده و همکاران، مجله حقوقی نشریهی مرکز امور حقوقی بین المللی ریاست جمهوری، شماره 34، 1385، 21-48.